

پیامدهای دل‌بستگی به دنیا در کلام و سیره امام حسین علیه السلام

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان *

اشاره

از منظر اسلام آنچه خدا در زمین آفریده است، برای استفاده انسان است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۱. خداوند نعمت‌های دنیوی را به صورت موقت و محدود در اختیار انسان قرار داده است تا با بهره‌برداری صحیح از آن‌ها، بتواند خود را به کمال و رستگاری ابدی برساند؛ اما متأسفانه برخی انسان‌ها با سوء‌اختیار خود، به گونه‌ای دل‌باخته و دل‌بسته دنیا می‌شوند که آن را اصیل و همیشگی می‌پندارند و بر آخرت ترجیح می‌دهند: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى»^۲؛ ولی شما زندگی دنیا را مقدم می‌دارید، در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است». این در حالی است که دنیا طلبی و ترجیح دنیا بر آخرت، منشأ همه گناهان و نافرمانی‌هاست: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»^۳. قرآن کریم در هشدار به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۴؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل نکند و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند». بنابراین انسان‌ها در مواجهه با دنیا و نعمت‌های الهی، دو نوع رفتار کاملاً متفاوت دارند: عده‌ای بر مدار عبودیت حرکت می‌کنند و نگاه‌شان به دنیا و همه نعمت‌ها، نگاهی توحیدی است. این گروه توجه دارند که باید از فرصت محدود زندگی و نعمت‌های دنیوی برای آبادانی آخرت توشه بردارند:

* دکتری ادیان و عرفان. کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی.

۱. بقره: ۲۹.

۲. اعلی: ۱۶ و ۱۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۳۱.

۴. منافقون: ۹.

رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛^۱ پروردگارا! شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، به من الهام کن و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست، انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمره بندگان صالحت وارد کن.

برخی دیگر از انسان‌ها چنان در دنیا، غرق و به آن دلبسته می‌شوند که از خداوند و حیات اخروی خود به کلی غافل می‌شوند و همه هستی خود را به چند سال زندگی در دنیا می‌فروشند. امام حسین علیه السلام صبح روز عاشورا در خطابه‌ای، مردم را از این نوع زندگی پرهیز داده است:

عِبَادَ اللَّهِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مِنَ الَّذِينَ عَلَىٰ حَذَرٍ، فَإِنَّ الدُّنْيَا لَوْ بَقِيَتْ عَلَىٰ أَحَدٍ أَوْ بَقِيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ لَكَانَتْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَحَقَّ بِالْبَقَاءِ وَ أَوْلَىٰ بِالرِّضَا وَ أَرْضَىٰ بِالْقَضَاءِ غَيْرُ أَنْ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْفَنَاءِ فَجَدِّدْهَا بِالِإِيمَانِ وَ نَعِيمِهَا مُضْمَلٌ وَ سُورُهَا مُكْفَهَرٌ وَ الْمُنَزَّلُ تَلْعَةً وَ الدَّارُ قَلْعَةٌ. فَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ؛^۲ ای بندگان خدا، تقوای خدا را پیشه سازید و از دنیا دوری کنید که اگر دنیا برای کسی می‌ماند یا کسی در دنیا می‌ماند، پیامبران شایسته‌تر بودند که بمانند و آنان بیش از همه سزاوار خوشنودی هستند و بیش از همه به قضای الهی خرسندند. خداوند بلندمرتبه، دنیا را برای بلا و اهل آن را برای فنا آفرید. پس تازگی دنیا، کهنگی است و نعمت‌هایش، نابود شونده و شادمانی آن، غم و اندوه است، سرای آخرت فرا می‌رسد و خانه دنیا از دست می‌رود. پس توشه بردارید که بهترین توشه، تقواست.

این نوشتار به پدیده دلبستگی به دنیا و پیامدهای آن بر اساس کلام و سیره امام حسین علیه السلام می‌پردازد.

پیامدهای دلبستگی به دنیا

دلبستگی به دنیا، پیامدهای ناخوشایندی را برای فرد و جامعه به بار می‌آورد که در این قسمت به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دلبستگی به دنیا، مهم‌ترین مانع انجام وظیفه

دلبستگی به دنیا، انسان را از انجام مسئولیت‌های خود باز می‌دارد. انسان دلبسته به کسی یا

۱. نمل: ۱۹.

۲. علی بن حسن ابن عساکر؛ تاریخ ابن عساکر؛ ج ۱۴، ص ۲۱۸؛ موفق بن احمد خوارزمی؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ ج ۱، ص ۲۵۳.

چیزی، به راحتی نمی‌تواند از دل‌بستگی خود رها شود؛ از این رو در طول زندگی همواره در اسارت دل‌بسته خود به سر می‌برد.^۱ خداوند در بیان علت سستی برخی مسلمانان از شرکت در جهاد می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضِيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید، بر زمین سنگینی می‌کنید (و سستی به خرج می‌دهید)؟ آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟ با اینکه متاع زندگی دنیا، در برابر آخرت، جز اندکی نیست.

جمله «اتألتكم إلى الأرض» کنایه از تمایل به ماندن در وطن و حرکت نکردن به سوی میدان جهاد و یا کنایه از تمایل به جهان ماده و چسبیدن به زرق و برق دنیا است.^۳ امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرمود:

فَالْمَعْرُورُ مِنْ عَرَّتِهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ فِتْنَتِهِ، فَلَا تَعْرُوكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَ تُحَيِّبُ طَمَعَ مَنْ طَمَعَ فِيهَا؛^۴ فریب‌خورده، کسی است که دنیا او را فریب دهد و نگون‌بخت، کسی است که دنیا او را مفتون خود کند. [مراقب باشید] این دنیا شما را نفریبد که دنیا امید هر کسی را که به او دل ببندد، قطع می‌کند و طمع آزمندان به خود را می‌خشکاند.

دل‌بستگی کوفیان به دنیا، مانع انجام وظیفه و حمایت از امام حق در برپایی حکومت اسلامی شد. آن‌ها وفای به عهد و احترام به مهمانی که خود او را دعوت کرده بودند، نادیده گرفتند و کارشان به جایی رسید که تصمیم به کشتن فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله گرفتند. از سوی دیگر در لشکر امام حسین علیه السلام، قلوب عاشقان مملو از عشق به خدا بود و جایی برای علاقه به دنیا و پست و مقام، ثروت و اهل و عیال وجود نداشت. از همین رو بود که برای جان‌بازی در راه حفظ دین و اصلاح سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، سلحشوران به استقبال مرگ شتافتند. آنان، الگوهای ارزشمندی برای جوانان مان بودند که در هشت سال دفاع مقدس و دفاع از حرم اهل بیت علیهم السلام دنیا را رها

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۴۱۷.

۲. توبه: ۳۸.

۳. پیشین؛ ص ۴۱۵.

۴. موفق بن احمد خوارزمی؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

کردند و بی‌باکانه به استقبال شهادت شتافتند.

تصاویر نورانی شهدا در هر شهر و روستا، گواه رشادت و مجاهدت مردمانی است که برای قرب به حق و اطاعت از امام خمینی علیه السلام و خلف صالح‌اش مقام معظم رهبری علیه السلام به عنوان نائب امام زمان علیه السلام از جان شیرین خود نیز گذشتند؛ شهیدان بزرگی همانند خرازی‌ها، زین‌الدین‌ها، حججی‌ها و سلیمانی‌ها. سیری در زندگی نامه شهدای دفاع مقدس و مدافع حرم، گویای آن است که آنان نیز همچون یاران امام حسین علیه السلام دلبسته و دلباخته دنیا نبودند که توانستند وظیفه خود را به درستی تشخیص دهند و در راه انجام آن، جان خود را تقدیم کنند.

۲. مقام طلبی

یکی از مظاهر برجسته دلبستگی به دنیا، حب مقام و ریاست است. دلبستگی به دنیا موجب می‌شود برخی انسان‌ها به هر طریقی، اگر چه مخالف موازین اخلاقی و دینی باشد، نظر مردم و یا مقامات بالا را به خود جلب کنند تا در پرتو آن، بتوانند به پست و مقامی برسند. در انتخابات شوراها، ریاست جمهوری و... چه بسیارند افرادی که با دروغ، تهمت، اسراف و ریخت و پاش‌های فراوان، می‌کوشند توجه مردم را به خود جلب کنند. امام حسین علیه السلام درباره سرنوشت این افراد می‌فرماید: «لَا أَفْلَحَ قَوْمٌ أَشْتَرُوا مَرْضَاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ؛ املتتی که خشنودی مردم را با خشم خدا معامله کند، هرگز رستگار نخواهد شد».

امام حسین علیه السلام در گفتار دیگری می‌فرماید: «مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَأَسْرَعَ لِمَا يَحْذَرُ؛^۲ کسی که با نافرمانی خدا در پی کاری باشد، آنچه را که امید دارد، بیشتر از دست می‌دهد و به آنچه که از آن می‌پرهیزد، زودتر گرفتار آید». نمونه بارز این سخن، عمر بن سعد است که برای به دست آوردن فرمانروایی ری، حاضر شد با امام علیه السلام بجنگد؛ اما با این کار به هدفش نرسید. در مقابل این گروه، برخی افراد همیشه به دنبال کسب رضایت الهی هستند و خدمت و محبت‌شان به مردم نیز تنها در راستای قرب الهی است؛ نه به دست آوردن پست و مقام و یا ثروت‌اندوزی. امام حسین علیه السلام درباره این دو گروه می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْوَرَ النَّاسِ، وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ، وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛^۳ هر کس

۱. همان، ص ۲۳۹.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۴۵.

۳. محمد بن حسن فتال نیشابوری؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین؛ ج ۲، ص ۴۴۳؛ محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۱، ص ۲۰۸.

خشنودی خدا را [هر چند] با ناخشنودی مردم بطلبد، خداوند او را از امور مردم بی‌نیاز کند و هر که خشنودی مردم را با خشم و ناخشنود کردن خدا بجوید، خداوند او را به مردم واگذارد».

۳. نادیده گرفتن مقام امامت

یکی از آثار مهم دلبستگی به دنیا، فاصله گرفتن از حقیقت دین است. حقیقت دین، ساحت‌های گوناگونی مانند اندیشه و عقاید، اخلاق و حقوق و نیز حکومت و مدیریت جامعه دارد. انسان مؤمن، به همه ساحت‌های دین متعهد است. یکی از معضلات جامعه اسلامی در عصر امام حسین علیه السلام، فراموشی حقیقت دین در ساحت حکومت و مدیریت جامعه بود. از نظر اسلام، هر فردی لایق و شایسته حکومت بر مردم نیست و حاکم اسلامی باید کسی باشد که تنها در مدار حق و توحید گام بردارد و رفتار و گفتارش، تجلی کلام حق تعالی باشد. از این رو شناخت امام و تبعیت از او، در تراز شناخت خدا قرار دارد. امام حسین علیه السلام در این زمینه فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَعْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ؛ ای مردم! خدای بزرگ بندگان را نیافرید، مگر برای آنکه او را بشناسند؛ وقتی او را شناختند، او را پرستش خواهند کرد و هنگامی که او را پرستند، از بندگی غیر او بی‌نیاز خواهند شد».^۱ سپس درباره چستی شناخت خدا فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ شناخت مردم به امام‌شان در هر زمان، آن امامی که اطاعتش بر آن‌ها واجب است».

بنابر این حدیث، شناخت امام علیه السلام در ذیل شناخت خدا تعریف می‌شود و اطاعت از امام علیه السلام، اطاعت از خداست؛ زیرا امام عادل مردم را به سوی دین و اجرای فرامین الهی و حیات طیبه هدایت می‌کند. از همین روست که امام حسین علیه السلام از ابتدای قیام خود، بر امامت و جایگاه مهم آن تأکید می‌ورزید: «فَلَعَفْرِي، مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ، الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ، الدَّائِمُ بِدِينِ الْحَقِّ، الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ؛^۲ به جان خودم سوگند، امام و پیشوا کسی نیست، مگر آنکه بر اساس کتاب خدا حکومت کند، عدل و داد را بر پا دارد، پایبند به دین حق باشد و خود را وقف در راه خدا کند». این در حالی است که یزید فاقد این اوصاف بلند اعتقادی و اخلاقی است: «و يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُغْلِنٌ بِالْفُسْقِ وَ مِثْلِي لَا يَبَإِعُ مِثْلَهُ».^۳

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۳۶، ص ۳۸۴.

۲. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۳۹.

۳. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۲۴.

کوفیان به جای تبعیت از امام بر حق، به دلیل ترس از مرگ و زندانی و شکنجه شدن و یا به طمع به دست آوردن مطامع دنیوی، علی رغم آنکه امام علیه السلام را به کوفه دعوت کرده بودند تا بر آن‌ها حکومت کند، تن به حکومت حاکم جائری همچون یزید و عبیدالله بن زیاد دادند، دنیا و شهوات خود را بر آخرت ترجیح دادند و اطاعت از شیطان را بر اطاعت از خدا برگزیدند. امام حسین علیه السلام درباره آن‌ها به فرزدق فرمود:

يَا فَرَزْدَقُ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ وَ أَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ وَ ابْطَلُوا الْحُدُودَ وَ شَرَبُوا الْخُمُورَ وَ اسْتَأْتَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ أَنَا أَوْلَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَ إِعْزَازِ شَرْعِهِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ؛ لِيَتَّكُونَ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا؛^۱ ای فرزدق! اینان گروهی هستند که پیروی شیطان را پذیرفتند و اطاعت خدای رحمان را رها کردند و در زمین فساد را آشکار ساختند و حدود الهی را از بین بردند و باده‌ها نوشیدند و دارایی‌های فقیران و بیچارگان را ویژه خود ساختند و من از هر کس به یاری دین خداوند و سربلندی آیینش و جهاد در راهش سزاوارترم، تا آیین خداوند پیروز باشد.

مؤمنان باید در هر زمانی به تمامی ساحت‌های دین ملتزم باشند. اکنون که در عصر غیبت به سر می‌بریم، بر اساس دلایل قطعی شرعی و عقلی، مدیریت جامعه اسلامی را باید کسی بر عهده بگیرد که بیشترین شباهت را به امام زمان علیه السلام داشته باشد؛ یعنی از علم و معرفت، تقوا و عدالت و قدرت مدیریتی بالا برخوردار باشد که به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، این امر در وجود حضرت امام خمینی علیه السلام و اکنون نیز در وجود مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای علیه السلام تعیین یافته است و مردم متدین و انقلابی ایران اسلامی بر خلاف کوفیان، به خوبی نشان داده‌اند که قدردان نعمت ولایت هستند و برای تحقق آرمان‌ها و اهداف بلندشان همواره در میدان حضور دارند.

۴. ذلت و خواری ابدی

از آثار برجسته دل‌بستگی به دنیا، تن دادن به زندگی پست و ذلیلانه است. کسی که دل‌باخته دنیا است، از مرگ می‌هراسد و حاضر است برای زندگی بیشتر، تن به هر ذلتی دهد. یکی از ذلت‌های کوفیان، ذلت پیمان‌شکنی و بی‌وفایی است. امام حسین علیه السلام روز عاشورا به آنان فرمود: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ! قُبْحًا لَكُمْ وَ تَرَحًّا، بُوَسًا لَكُمْ وَ تَعَسًّا، اسْتَصْرَخْتُمُونَا وَالْهَيْسَيْنِ؛^۲ وای بر شما ای

۱. محمود شریفی و دیگران؛ موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام؛ ص ۳۳۱.

۲. محمد بن علی ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابیطالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۱۱۰.

کوفیان! زشت باد کارتان! ما را به یاری فراخواندید، چون نزد شما آمیدیم و ندایتان را پاسخ گفتیم، همان شمشیرها را که با ما هم قسم بود؛ به روی ما کشیدید».

وای بر کوفه و بر رسم پذیرایی او سست عهدی و ریاکاری و خودرایی او

خاک عالم به سرش باد که در خاک کشید هر که بنشست سر خوان پذیرایی او

رسم او غدر و دو رنگی، ره او کید و نفاق شش جهت پر شد از آوازه رسوایی او^۱

از نگاه امام حسین علیه السلام، زندگی ذلیلانه مساوی با مرگ، و مرگ در راه عزت همان حیات جاودانه است:

لَيْسَ شَأْنِي شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ، مَا أَهْوَنَ الْمَوْتِ عَلَى سَبِيلِ نَيْلِ الْعِزِّ وَإِحْيَاءِ الْحَقِّ، لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِزِّ إِلَّا حَيَاةً خَالِدَةً وَلَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ، أَفَبِالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي... وَهَلْ تَقْدِرُونَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ قَتْلِي؟! مَوْحِبًا بِالْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَكِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى هَدْمِ مَجْدِي وَمَخْرِ عِزِّي وَشَرْفِي؛^۲ جایگاه من، جایگاه کسی که از مرگ بترسد، نیست. مرگ در راه عزت و احیای حق، چقدر پیش من آسان است. مرگ در راه عزت، چیزی جز حیات جاودانه نیست و زندگی با ذلت، جز مرگ و نیستی که هیچ حیاتی همراه ندارد، نیست. آیا مرا با مرگ می ترسانید؟ آیا بیش از کشتن من می توانید؟ آفرین به مرگ در راه خدا، ولی شما نمی توانید شکوه مرا نابود کنید و عزت و شرافتم را از بین ببرید.

همچنین فرمود: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارِ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ»^۳ مرگ با عزت از زندگی ذلیلانه برتر است. مرگ برتر از همراه شدن با عار و خواری، و خواری از ورود در آتش، برتر است».

ملت مؤمن و انقلابی ایران اسلامی نیز با الگوگیری از این سخنان پرگهر امام علیه السلام، بیش از چهل سال است که تن به هیچ ذلتی نداده و با اقتدار و عزت تمام در راه رسیدن به اهداف بلند انقلاب ایستادگی کرده است و به زودی همه قله‌های رشد و پیشرفت در عرصه‌های مادی و معنوی را به یاری خداوند فتح خواهد کرد.

۱. محمدحسین بهجتی (شفق).

۲. محمود شریفی و دیگران؛ موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام؛ ص ۳۶۰.

۳. همان، ص ۴۹۹.

بر ما گمان بندگی زور برده‌اند ای مرگ همتی که نخواهیم این قیود
از آستان همت ما ذلت است دور و اندر کُنّامِ غیرت ما نیستش ورود^۱

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابیطالب علیهم السلام؛ تحقیق علی بن جمال اشرف حسینی؛ قم: المکتبه الحیدریه، ۱۳۹۰ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ نجف: منشورات المطبعه الحیدریه، ۱۳۶۹ق.
۴. _____؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ قم: انوار الهدی، ۱۳۸۹ش.
۵. ابن عساکر، علی بن حسن؛ تاریخ ابن عساکر؛ تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۶. خوارزمی، موفق بن احمد؛ مقتل الحسین علیه السلام؛ قم: انتشارات مفید، [بی تا].
۷. شریفی، محمود و دیگران؛ موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام؛ قم: پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۳ش.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن حسن؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعصّین؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۶۶ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۱۱. محدثی، جواد؛ فرهنگ عاشورا؛ چاپ اول، قم: نشر معروف، ۱۳۷۴ش.
۱۲. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ قم: منشورات بصیرتی، [بی تا].
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ش.

۱. جواد محدثی؛ فرهنگ عاشورا؛ ص ۲۶.